

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن – المان

## گل وحدت

### بده آسایشی افغان ستانم!

تب غریت ، بسوزد جسم و جانم  
نمی آید بیانش ، بر زبانه  
که سرگردان به دور این جهانم  
وطن گم کرده ای ، بی آشیانم  
به باغ آرزو ، برگ خزانم  
که گرد آسایب این و آنم  
حلیم دیگِ ظلم این زمانم  
گریزان ، از زمین و آسمانم  
جهد نور وفا ، از استخوانم  
برای که ، بخوانم داستانم  
و ایجاد محبت ، امتحانم  
به تقلیدش ، همیشه در زیانم  
هزیز عشق ، از دل می وزانم  
به گوش جان ، ز اشعار روانم  
به اقدام وفا ، گوهر فشام  
ز تفریق و عداوت ، در امانم  
و یا ، از امت آخر زمانم  
هر آنچه را که پنداری ، همانم  
ولی گویم ، نژاد آریانم  
برایت قصه های نو بخوانم  
بیاب از سفته و ، راز نهانم  
گل خوشبو و خوشرنگِ جنانم

غم میهن بیازارد ، روانم  
چو سیماب آب ، مغز استخوان شد  
سپند حسرت در مجمر هجر  
نمی گیرد قرار دل ، به گلشن  
گل امید من ، پر پر ز هجران  
تعصب کار خود را کرد آخر  
ز جور و کینه و بغض و عداوت  
ز تبعیض نژاد و رنگ و از جنس  
برافروزم به هر جا ، نار عشقی  
ندیدم گوش باز و چشم بینا  
تحری بر حقیقت ، رمز عشقست  
ز میراثی که دارد ، بوی نفرت  
حقیق سدره مهر و ، وفارا  
صریر خامه وحدت شنیدن  
شمیم مودت ، از نظم و نثرم  
کلام حق ، محبت است و وحدت  
برهمایی و ، بودایی و ، ترسا  
بهایی و ، مسلمان و ، یهودی  
نگویم شیعه و ، سنی و ، بی دین  
بیا ای هموطن ، فرق از جهان سوز  
یگانه مرهم زخم جهانرا  
اگر وحدت شود در عالم ایجاد

ز تعدیل معیشت ، جمله عالم  
نما ترکِ تعصب ، تانسوزی  
تساوی بر حقوق مرد و زنها  
حدیثِ عشق میخوانم شب و روز  
وگر مقبول درگاهش بگردم  
ز فضلش ، مشتِ خاک آینه گردد  
خداوندا ! تو میبایستی پناهم  
دل صیادِ ما را ، کن ملایم  
ز دست و پای ما ، زنجیر بشکن  
ز « نعمت » این دعا باشد شب و روز

شوند آسوده ، آن ، واجب بدانم  
به بغض و کینه کون و مکاتم  
بود ، حتمی سؤال امتحانم  
خدا خواهد ، اگر از شایگانم  
نشسته بر زمین ، در آسمانم  
ز عدلش پرگناه و ناتوانم  
گنهارم ، ولی از بندگانم  
به دامی صیدم و پر پر زانم  
به کام دل ، ز فضل خود رسانم  
بده ، آسایشی افغان ستانم